



مجید کافی امامی

نهادینه سازی فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) در حوزه های علمیه

با توجه به ضرورت فناوری ارتباطات و اطلاعات، شاهد آن هستیم که در چند سال اخیر بسیاری از دفاتر، مراکز و سازمان های مربوط به حوزه علمی در راستای پیشبرد اهداف توسعه اقدام به ایجاد و تولید سایت ها، شبکه های اینترنتی و یا نرم افزار و سخت افزار نموده اند، که در سال های آتی نیز سرعت بیشتری به خود می گیرد. اگر چه تاکنون امکانات، نیروها و سرمایه های هنگفتی هزینه شده؛ اما هنوز اهداف کوتاه مدت و بلندمدت به صورت کلان و خرد در راستای توسعه تعریف نشده است.

در بین سطوح تصمیم گیری به ویژه در توسعه عملیاتی حوزه دین، فرهنگ و علم این اتفاق نظر وجود دارد که جهت دسترسی به توان بالای فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ به نتیجه رساندن سرمایه گذاری های انجام شده؛ ایجاد بستر مناسب جهت جلب اعتماد صاحبان سرمایه، مراجع، مدیران عالی رتبه و از طرف دیگر کاربران اعم از قشر حوزوی، دانشگاهی و عموم مخاطبان، باید پس از اصلاح دیدگاه نسبت به ICT و شناخت تمام توان و امکانات آن، از روش های مدیریتی متمرکز و یا راهبری متمرکز بر امکانات، نیروها و سرمایه ها استفاده نمود تا چنین فعالیت هایی به صورت منسجم، مطمئن و پایدار صورت بگیرد.

روش های یکپارچه سازی و نهادینه کردن آن، ما را قادر می سازد تا بر ضعف ها و ناکارآمد بودن وضعیت فعلی فائق آمده تا بتوانیم علاوه بر برنامه ریزی استراتژیک و کلان حوزوی گروه های بزرگ و کوچک مربوط به حوزه و حوزویان را امر تسهیل روابط، ارتقاء کیفیت محصولات ارائه شده سوق داده و در نتیجه به احیای رسالت حوزوی و مخاطب سازی در عرصه جهانی مخصوصاً محافل علمی دنیا دست یابیم. از این رو، ضرورت ایجاد می کند جهت نیل به آن توانمندی به بررسی مشکلات توسعه در حوزه، تبیین وظایف دولت، و نقش حوزه در این خصوص و مسائل پیرامون آن پردازیم و سعی شود تا راهکارهای اساسی آن معرفی گردد.



ضرورت رویکرد حوزه به توسعه

ابزاری

منطقی که نتیجه ظهور هر فناوری جدید باشد، باعث می‌شود محیط آدمی را که به آن عادت کرده بود، به محیطی نامطلوب، قدیمی و کم‌بها مبدل نماید و به رویکردهای جدیدی ملزوم سازد. در حال حاضر، رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، زندگی فردی و اجتماعی بشر را دگرگون ساخته به گونه‌ای که علاوه بر امور پیچیده علمی و فنی حتی در امور ساده و روزمره زندگی بشری نیز فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش مهمی را ایفا می‌کند. به‌وضوح آشکار است که تولید فکر و اندیشه توسط نظریه‌پردازان بدون دسترسی به اطلاعات علمی ممکن نمی‌باشد. آگاهی مدیران فعال در تمامی عرصه‌های تولید از آخرین اخبار و اطلاعات فنی و علمی آنان را توانمند می‌سازد تا بتوانند کیفیت و کمیت محصولاتشان را خصوصاً در عرصه علمی و فرهنگی بهبود بخشند.

سیاست‌گذاران و مدیران کلان حوزوی با دستیابی به آخرین اخبار و اطلاعات است که می‌توانند به حل معضلات درونی همچون اداره طلاب و کارکنان تحت پوشش، برنامه‌ریزی آموزشی و مشکلات برونی همچون حضور علمی و تبلیغی در عرصه بین‌المللی بپردازند. در شرایط حساس، تصمیمات درست و بجا بگیرند و اثرات سوء و مخرب را به نتایج مفید و مطلوب تبدیل کنند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل مجموعه‌ای از ابزارها، تجهیزات، علوم و مهارت‌هاست که اطلاعات را جمع‌آوری، ذخیره، پردازش و بازیابی می‌کند و باعث می‌شود که جوامع گوناگونی را در سطح جهانی به صورت اعجاب‌آوری به یکدیگر متصل کند. ضمن اینکه با کنار زدن قالب‌های عملیاتی سنتی، افزایش سرعت، سهولت دسترسی اطلاعات، سقوط هزینه‌کردها، کاهش ضریب خطا در تصمیمات جزئی و کلی، ارتقاء دیدگاه سیاست‌گذاران و در نهایت، بالا بردن کیفیت محصولات فکری و انسانی را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، لازمه بقاء در میدان رقابت جهانی بین کانون‌های مختلف علمی، فرهنگی و مذهبی برخورداری از چنین فناوری با پشتوانه شناخت و اندیشه پاک صورت می‌گیرد و بدون لحاظ آن،

جهانی، پاسخگوی نیاز جوامع به نحوی شایسته باشند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)

«فناوری» به تنهایی به مدیریت ورودی و خروجی‌های یک سیستم گویند؛ مدیریتی که با استفاده از روش‌ها، سخت‌افزار، نرم‌افزار و عملیات پردازش همچون محاسبات ریاضی، قیاسات منطقی، کنترل،

امکان حیات اجتماعی مدرن غیر قابل تصور است.

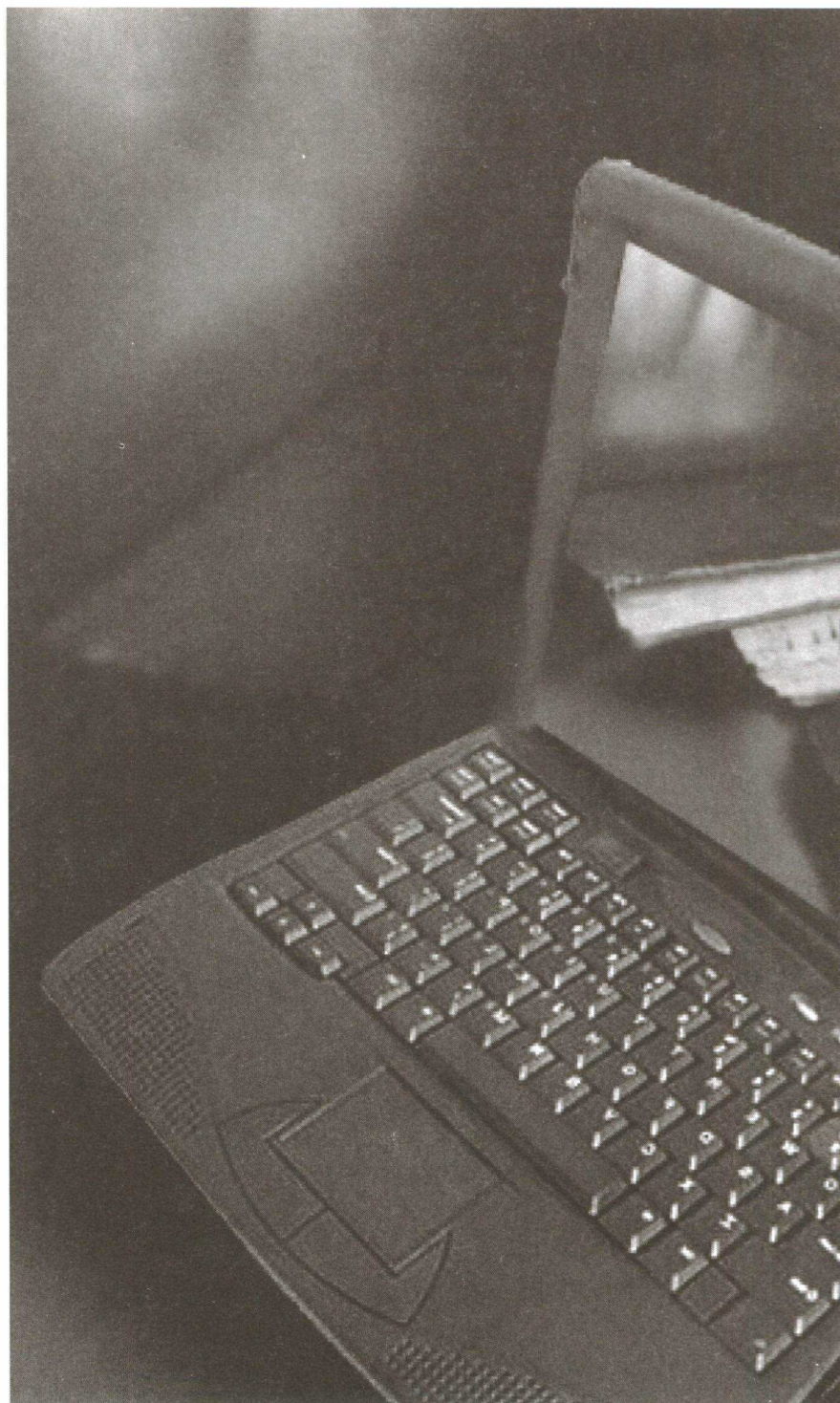
بجاست حوزه‌های علوم اسلامی به جای به‌کارگیری شیوه‌های سنتی و قدیمی که شاید در برخی مراتب لازم باشد، ولی به طور یقین کافی نیست، به ابزار روز از جمله ICT مجهز شوند تا با حفظ مبانی و اصول علماء سلف و درک متقابل مخاطبان

می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت که ICT به کاربرد فناوری رایانه و ابزار مخابراتی در سیستم اطلاعاتی مدیریت یا MIS که همان مدیریت اطلاعاتی است، گویند؛ فناوری‌ای که موجب شتاب سیر نوآوری، توسعه و خلاقیت می‌باشد. در حال حاضر به وسیله ICT جهان به صورت مجموعه‌ای واحد مبدل شده و هرچه ساختار و نظم آن کامل‌تر باشد، میزان و گستره اطلاعات نیز مطلوب‌تر شده، ارتباطات و شناخت جوامع نیز از یکدیگر عمیق‌تر و فاصله‌ها کمتر می‌گردد.

فرهنگ ICT

مهم‌تر از بعد سخت‌افزاری، مقوله اندیشه و فرهنگ توسعه ICT می‌باشد که بجاست آن را فرهنگ تولید، حفظ و ارائه اطلاعات و در یک کلام «فرهنگ ICT» نامید. بدون توجه به فرهنگ تولیدی و خدماتی اطلاعات، توان ادامه حیات نداشته و همچون برخی از سازمان‌های ناموفق در امر توسعه IT، با پشتیبانی هزینه‌های گزاف در سخت‌افزار و نرم‌افزار به مجموعه‌ای ناکارآمد و عقیم تبدیل شده‌اند. تا جایی که در برخی از سطوح فقط شکل صوری معضلات قبلی تغییر کرده و اصل مشکلات به قوت خود باقی مانده است. عدم رویکرد به فرهنگ ICT، کندی و یا توقف در توسعه ICT را به بار می‌آورد و با توجه به نوع جدید رویارویی در عرصه‌های بین‌المللی، رشد سریع کمی و کیفی تبادل اطلاعات و نیز حضور قوی و چشمگیر معاندان مکتب اهل‌بیت(ع) و انقلاب اسلامی در عرصه ICT باعث می‌شود که زبان غیر قابل فهم‌تر و متعاقباً به علت رسوخ اندیشه‌های مخالفان در اعماق اندیشه‌ها و عقاید، بیان ما برای آنان غیر قابل پذیرش‌تر شود.

بنابر این، آنچه در توسعه ICT بسیار حایز اهمیت است، تفکر اطلاعات گراست. فناوری IC با پشتوانه مجموعه‌ای از خرده‌های مطلوب توسط ابزارهای در خدمت گرفته به وجود می‌آید و توسط فرهنگ ICT است که می‌توان به فوایدی همچون: ارزانی، سهولت کار و سرعت دسترسی پیدا نمود و فرایندهای پیچیده درون سازمانی را ساده کرد و سطح افق دید مدیران را بالاتر و اهدافشان را بلندمدت ساخت. در فرهنگ ICT باید به مقوله‌هایی همچون: تمرکز، یکپارچه و شبکه‌سازی اطلاعات، فرهنگ



و یا بین افراد جامعه توسط ابزار مخابراتی، رادیویی و تلویزیونی در قالب‌ها و انواع گوناگون خدمات‌رسانی گفته می‌شود. از آنجایی‌که هر دو مقوله اطلاعات و ارتباطات لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند، هر دو را به عنوان یک فناوری معرفی می‌نمایند و در پاره‌ای از مواقع نیز لفظ IT یا فناوری اطلاعات گفته می‌شود؛ ولی از آن اراده ICT یا فناوری اطلاعات و ارتباطات

تصمیم‌گیری و غیره، یک مجموعه نظام‌مند را اداره می‌کند که رایانه ایفا کننده چنین نقشی است. اصطلاح «اطلاعات» نیز شامل دیتا، اطلاعات پردازش شده، دانسته‌ها، فرضیه‌های اثبات شده، مقالات، کتب و به طور کلی، مواد اولیه رایانه و شبکه‌های رایانه‌ای می‌باشد و «ارتباطات» هم به پیوندهای دو یا چند طرفه بین مجموعه‌ای از نهادهای حقیقی و یا مجازی

جمع‌آوری اطلاعات، فرهنگ تولید اطلاعات، اولویت‌بندی، خلاصه‌سازی و تحلیل اطلاعات، تخصص و پژوهش‌نگری به اطلاعات، فرهنگ حفظ و نگهداری اطلاعات، و نیز به فرهنگ خدمات‌رسانی اطلاعات توجه جدی شود و سازمان‌هایی همچون حوزه علمی باید شرایط و قالب‌های جدید علمی، فرهنگی در عرصه اطلاعات و ارتباطات را پذیرا باشند تا بتوانند به آن اهداف والا دسترسی پیدا کنند.

نقش ICT در توسعه منابع انسانی حوزه

در راستای توفیق سازمان‌ها و نهادهای گوناگون در عرصه‌های مختلف رقابت، نیاز به رشد و توسعه

منابع انسانی است. توان انسانی سازمان‌ها باید به حدی برسد که بتواند سازمان را در رسیدن به اهداف مترقی یاری کند و نقش ایزار انسانی بودن را احیا نماید. عدم توسعه منابع انسانی نیروهای همچون وزنه‌های کوچک و بزرگ آویزان بر گرده سازمان، باعث رکود فکری و عملی می‌شود و در روند رو به رشد حوزه اختلال ایجاد می‌کند. از طریق توسعه منابع انسانی، هر نهاد و یا سازمانی همچون حوزه می‌تواند در مصادیقی همچون: اصلاح و رشد کیفیت عملکرد، به روزرسانی اطلاعات، ارتقاء توانمندی‌ها، ایجاد خلاقیت، تصمیم‌گیری

صحیح و به موقع، رشد هماهنگ‌سازی، ارتقاء سطح علمی، ارتقاء تسلط بر کار، پیش‌بینی و جلوگیری از مشکلات، رفع عمیق و سریع معایب موجود و سایر موارد مشابه، رشد و ارتقاء یابد.

از آنجایی که محور تمامی موارد توسعه منابع انسانی «اطلاعات» است، مقوله ICT می‌تواند در توسعه آن نقش کلیدی را ایفا کند که اهم آن چنین می‌باشد:

۱. نهادینه شدن نوآوری‌ها

با دو عامل «اطلاعات مطلوب» و «قابلیت انسانی» می‌توان به اندیشه‌ها و نتایج جدید دسترسی پیدا کرد و آن را کانالیزه نمود. تلفیق فناوری اطلاعات که طیف عظیمی از اطلاعات مفید و لازم را قابل دسترسی می‌کند و توان آدمی که نتیجه، عطش اطلاعاتی است، خلاقیت، تغییر و نوآوری را به صورت آنالیز شده و مکانیزه به‌وجود می‌آورد. با بسترسازی و استفاده مستمر از ICT می‌توان آن را به صورت یک امر نهادینه شده تبدیل نمود. البته فناوری اطلاعات بدون پذیرش آدمی هیچ سودی ندارد؛ نه خلاقیتی و نه تغییری صورت می‌گیرد؛ بلکه تمام توان و نیروهای موجود صرفاً جهت حفظ آنچه که بوده است، به کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، تلاش آدمی هم بدون اطلاعات مفید و لازم که مورد اتم و اکمل آن ICT است، نمی‌تواند خلاقیت را گسترش دهد و در ورطه عمل همچون کشتی به گل نشسته عقیم مانده و باعث عقب ماندگی می‌شود.

از این‌رو، ICT می‌تواند به حوزه خلاق و پیشرو تولید فکر و اندیشه در عرصه بین‌المللی که اوج آن شاید در قرون ۴ و ۵ هجری بوده است، به‌صورت مطمئن و مستمر کمک‌رسان باشد تا در صفوف اول علمی و فرهنگی جهانی جوابگوی مسائل مورد نیاز فردی و اجتماعی بشر باشد و همچنین توان ایجاد شده را با ضریب موفقیت بالا برای نسل‌های آینده حوزه به ارمغان بگذارد.

ICT

● بدون فناوری اطلاعات و ارتباطات

نمی‌توان با سرعت و سهولت

به همه اطلاعات مفید و موردنیاز

با کمترین خطای اطلاعاتی

دسترسی پیدا کرد

۲. ارتقاء کیفیت برنامه‌ریزی در سطوح مختلف

بدون بهره‌گیری از اطلاعات، برنامه‌ریزی سازمانی، گروهی و یا فردی غیر ممکن می‌باشد. پشتوانه فکر هر مدیر و اساس هر طرح و برنامه‌ریزی، اطلاعات مفید و مطلوب است. بدون فناوری اطلاعات و ارتباطات نمی‌توان با سرعت و سهولت به همه اطلاعات مفید و مورد نیاز با کمترین خطای اطلاعاتی دسترسی پیدا کرد. عدم دسترسی به طیف عظیمی از اطلاعات صحیح و تخصصی و بهره‌گیری از اطلاعات کهنه و زمان خورده و نیز استفاده از افراد غیر متخصص نتیجه‌ای به جز برنامه‌ها و طرحهایی ناکارآمد، ناقص و زیان‌بار به همراه خواهد داشت. بنابراین، تصمیم‌گیرندگان و مدیران به‌واسطه ICT می‌توانند سریع‌ترین، راحت‌ترین، صحیح‌ترین و کامل‌ترین تصمیم، طرح و برنامه ممکن را پی‌ریزی کرده و با کمترین هزینه و نیرو به بهترین نتایج دسترسی پیدا کنند.

۳. ظهور و تقویت استعدادها

فعالیت بدون اطلاعات به روز و تخصصی، رشد و نمو هر حرکت فردی، جمعی و یا سازمانی را کند و در نهایت، به بن‌بست می‌کشاند محروم بودن از فناوری اطلاعات و ارتباطات، اثراتی همچون: تقلیل درک زبان و فکر متقابل در بین جوامع، کم اثر بودن و منتج نبودن فعالیت‌ها و برنامه‌ها و نیز عقب افتادگی نسبت به توقعات و انتظارات را به بار می‌آورد. در نتیجه، توان و مهارت‌ها هرز رفته و جای خود را به خستگی و افسردگی، تکراری بودن و واپس‌زدگی، بی‌اعتمادی و ناامیدی می‌دهد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌وسیله در دسترس قرار دادن اطلاعات نو و به روز فضای تازه‌ای را فراسوی افکار، استعدادها و قابلیت‌های درونی و پنهان نمایان می‌کند؛ همگان را به تحرک جدید وای می‌دارد و باعث کشف و ظهور مهارت‌ها، طرح‌ها و افکار جدید می‌شود. اضافه بر اینکه آدمی را وادار می‌سازد تا در توانمندی‌های قبلی خود بازنگری کرده و با نگاه جدید، کهنگی حاصل از برنامه‌ها و طرح‌های غلط را زدوده و آن‌را به نیرو و استعداد جدید و قوی‌تری تبدیل کند. در نهایت، این استعدادها و

مهارت‌ها هستند که می‌توانند به‌وسیله ICT به منصف ظهور برسند و انسان محدود را با ابزاری همچون ارتباط صوتی، کتبی و تصویری با پشتوانه بانک‌های بی‌کران اطلاعاتی، به انسانی توانمند و قدرتمند در تمامی عرصه‌ها مبدل نماید.

۴. نهادینه‌سازی ارزیابی فردی

در راستای توسعه و بالندگی کمی و کیفی، ارزیابی شخصی یکی از اصول ویژه و مهم می‌باشد و به وسیله آن می‌توان ضعف‌ها و قوت‌ها را شناخت و در مسیر تقویت و یا رفع آنها قدم برداشت و به سطح مدیریت و رهبری درونی رسید. نهاد و یا سازمانی دارای مدیریت توانمند است که نیروهای آن نسبت به کار و فعالیت خود ارزیابی داشته باشند؛ عملکرد خود را محک زده و مورد بررسی قرار داده و با خودنظارتی نیروی انسانی جایگاه خویش را در سطوح موفقیت و پیشرفت تثبیت نماید.

فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند بستر مناسبی را جهت ارزیابی تأمین کرده تا علاوه بر فراهم کردن اطلاعات مورد نیاز و ضروری برای ارزیابی، امکان مقایسه را نیز فراهم سازد تا از طریق مطابقت کردن، نسبت به کاستی‌ها و نامناسبات علم حاصل شود. گفتنی است که به‌خاطر همیشه به‌روز بودن اطلاعات در ICT، ارزیابی به صورت امری دائمی و مستمر صورت می‌گیرد و این راه حل روندی است که هر سازمانی می‌تواند از آن بهره‌مند شود.

مراکزی که از ICT کم بهره برده‌اند، از دسترسی سریع و به روز نسبت به اطلاعات تخصصی مورد نیاز کارکنان خود محروم می‌شوند و متعاقباً نیروی انسانی به‌صورت انفعالی در آمده و در راستای ارتقاء کیفیت خود حتی در جزئیات هم منتظر برنامه‌ها و رهنمودهای صادره از سوی مدیران می‌شوند. در حالی که نقش مدیر سازمانی، سیاست‌گذاری و مدیریت کلان بر مسائل و کار سازمانی است. وارد شدن مدیر در موارد جزئی و خرد منجر به ضعف و غفلت از مدیریت کلان می‌شود و از طرف دیگر، نیرویی که مسئولیتی برای کیفیت کار خود قائل نباشد، کار را منحصر در صرف اجابت دستورالعمل‌های مدیران می‌داند؛ نه پنجره‌ای به عالم اطلاعات مفید و تخصصی‌اش دارد و نه به فکر بهتر انجام دادن وظایف خود می‌افتد. در نهایت، به

خاطر اختلاف سطح توقعات مدیران و نیروها از یکدیگر به اصل کار لطمه خورده و روز به روز از کیفیت آن کاسته می‌شود. ولی با رویکرد صحیح به عرصه ICT می‌توان نقش مفید و مؤثری را در راستای ارزیابی هر یک از افراد سازمان نسبت به خودشان ایفا نمود.

۵. ایجاد و احیای تحقیقات

پژوهش و تحقیقات یکی از پایه‌های توسعه در جوامع امروزی است. هر سازمانی با وجود چنین روحیه‌ای در بین نیروهای انسانی می‌تواند گام‌های بلند و مطمئن بردارد و به وسیله آن است که ارتقاء کیفیت خروجی‌ها و عملکرد سازمانی در بسیاری از موارد صورت می‌گیرد و باعث دستیابی به اهداف و سربلندی در میدانی کاری می‌شود. در مجامع و مراکز علمی و فکری همچون حوزه که یکی از پایه‌های حیاتی آن بر اساس تحقیقات و پژوهش استوار است، ICT می‌تواند با در اختیار قرار دادن سهل و آسان طیف وسیعی از انواع گوناگون اطلاعات، نیروها را به جستجو و پژوهش ترغیب کند. زمانی که کاربری برای یک موضوع با محدوده‌ای عناوینی خاص به سراغ ICT رفته و خواستار جمع‌آوری اطلاعات می‌شود، با دنیایی از اطلاعات در سطوح مختلف علمی پیرامون مطالب مورد نظرش و بسیار فراتر از آنچه که به فکرش رسیده است، روبه‌رو می‌شود؛ ریز موضوعات و سرفصل‌های بسیاری به او ارائه می‌دهد و در نتیجه، او را به جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات و چند بار بازگشت و استفاده از ICT تشویق می‌کند و با این کار، ناخودآگاه اساس و پایه‌های تحقیق و پژوهش را به وجود می‌آورد و نسبت به کسانی که مدت‌ها با انگیزه‌هایی نسبتاً قوی به امر پژوهش پرداخته‌اند، ولی به خاطر عدم دسترسی به اطلاعات لازم و مفید دلسرد و خسته شده و به رکود پژوهشی منتهی شده‌اند، کمک می‌کند تا مجدداً چرخه تحقیقاتی به راه افتد و عملیات علمی بر زمین مانده سامان یابد. ■

پانویس‌ها:

1. Information & Cominection
Technology